



تحلیل تروریسم اقتصادی در پرتو زیست شرافتمندانه بین‌المللی

الهام آزاد^۱، مسعود راعی^۲، محمدحسن شیخ الاسلامی^۳

۳۱

دوره ۸، شماره ۴، پیاپی ۳۱
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۱۲/۰۷

صص: ۸۱-۱۰۴

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵
الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

سألها ست که تحریم به عنوان اهرمی جهت اعمال فشار سیاسی و اقتصادی، شامل ممنوعیت تجارت، ترافیک مالی، و یا حتی ترخیص برخی کالاها، از طرف تابعان حقوق بین‌الملل بر کشورهای دیگر، به منظور تغییر یا تعدیل در سیاست‌ها و رفتارهای کشور هدف مورد توجه و عمل قرار می‌گیرد. این در حالیست که با توجه به گستردگی روزافزون ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی - به گونه‌ای که زیست بین‌المللی بدون آن تقریباً ناممکن است - این ابزار فشار در عرصه حقوق بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است. از منظر حقوق بین‌الملل اگر این ابزار در راستای تحقق منافع یکجانبه و سیاست‌های سلطه‌گرانه و برخلاف قواعد حقوق بشر بهره گرفته شود و به منظور تخریب، مخدوش کردن یا تضعیف اقتصاد یک کشور یا سازمان یا نهاد مورد استفاده قرار گیرند، آنگاه این واژه می‌تواند بعنوان تروریسم اقتصادی اطلاق گردد. این تحریم‌ها می‌توانند شامل ممنوعیت تجارت، ترافیک مالی، و یا حتی ترخیص برخی کالاها باشند. تروریسم اقتصادی می‌تواند زیست شرافتمندانه یا "زندگی با احترام به کرامت" را از طرق تضعیف امکان دسترسی به منابع اساسی، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی، تأثیرات منفی بر امنیت اجتماعی و تأثیرات مضر بر توسعه پایدار با چالش مواجه نماید. هدف از این گونه تحریم‌های چالش برانگیز، وادار کردن جامعه هدف به تغییر در رفتارهایی سیاست خارجی‌اش و حتی داخلی آنها می‌شود. بنابراین این تحریم‌ها صرفاً اهداف اقتصادی را دنبال نمی‌کنند، بلکه دستیابی به اهداف سیاسی، و انگیزه اجتماعی یا نظامی ممکن است جزء برنامه‌های کشور تحریم کننده باشد. اگرچه در گذشته این نوع تحریم‌ها به استناد اصل حاکمیت کشورها مجاز تلقی می‌گردید، لیکن امروزه بر اساس قواعد حقوق بین‌المللی از جمله اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی کشورها، احترام به حقوق ملیت‌ها، زیست شرافتمندانه و کرامات انسانی، حق توسعه و احترام به قوانین تجاری بین‌المللی تحریم‌های صادر شده از سوی برخی کشورها بر علیه کشورهای دیگر، غیرمجاز بوده و مشروعیت آن مورد تردید می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تحریم، تروریسم اقتصادی، زیست شرافتمندانه، کرامت، حقوق بین‌الملل.

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

۲. استاد گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

masoudraei@yahoo.com

۳. دانشیار دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

۱. مقدمه

حقوق بشر، اصول و اسناد بین‌المللی مرتبط با آن در حال حاضر مورد تأکید و پذیرش همه دولتهای دنیا قرار گرفته است. حقوق بشر و مفهوم زیست شرافتمندانه به طور گسترده به هم پیوسته‌اند و هر دو به حفظ کرامت و حقوق انسانی افراد متعلق می‌شوند. حقوق بشر اصلی‌ترین استانداردهایی هستند که برای حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها در تمام ابعاد زندگی تعیین شده‌اند. زیست شرافتمندانه هم به ایجاد شرایطی اشاره دارد که هر انسانی بتواند به طور کامل به حقوق خود دست پیدا کند و زندگی ارزشمندی داشته باشد. بنابراین، حقوق بشر و زیست شرافتمندانه به مفهوم مشترکی از دیدگاه‌های مختلفی، از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، اشاره دارند که هدف آن حفظ کرامت و حقوق انسانی است. این اصول و استانداردها باید به طور کامل و بدون تبعیض به همه افراد منتقل شوند و هر گونه تحریم یا عملی که به زندگی شرافتمندانه انسان‌ها آسیب برساند، با این اصول و استانداردها در تضاد است. علیرغم انتقاداتی که به حقوق بشر وارد شده است و از آن به عنوان آرمانگرایی در حقوق بین‌الملل یاد میشود و وجود جنگهای مختلفی که در دنیا وجود دارد و در همه آنها دولت آمریکا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نقش دارد، گویای آن است که حقوق بشر صرفاً در روی کاغذ جای دارد و در عمل حرفی برای گفتن ندارد؛ چراکه گفتمان واقعگرایی به عنوان گفتمان مسلط در عرصه روابط بین‌الملل حاکم می‌باشد، ولی نادیده گرفتن اصول حقوق بین‌الملل به خصوص حقوق کرامت انسانی و زیست شرافتمندانه برای رسیدن به هدف مورد تأیید هیچ کشوری در دنیا نمی‌باشد. تاریخچه حقوق بشر گویای این مطلب است که تمامی کشورها بطور جدی بدنبال احقاق ابتداییترین حقوق خود تا حقوق انسانی و زیست جمعی می‌باشند. در مبانی اولیه حقوق بشر که مشتمل بر حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد؛ حق حیات، حق امنیت، حق تعیین سرنوشت، مورد تأکید همه اعضای جامعه بین‌المللی است که متأسفانه برخی دول کشورهای توسعه یافته، بخصوص دولت آمریکا در حال حاضر همین حقوق ابتدایی را نیز زیر پا گذاشته و تعریف دوگانه‌ای از حقوق زیستی انسانها با تمیزی بنام منافع ملی خویش ارائه داده و بدون دلیل از کشورهای متجاوز که همسو با منافع ملی آنهاست، حمایت میکند. در مبانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به حقوق بشر نیز، تحریم‌های یکجانبه دول متخاصم با نقض این حقوق و اعمال تحریم علیه کشورهای هدف مسلمترین حقوق زیستی انسانها را نقض میکند و در عین حال

مدعی نظارت بر حقوق بشر نیز هستند. در مبانی حقوق زیست جمعی هم که از آن به حقوق همبستگی یاد میکنند، و در برگیرنده ی معاهده ها و پیمانهای جمعی است، کشور آمریکا از مهمترین پیمانهای مهم جهانی به خصوص پیمان حفاظت از محیط زیست، پیمان مبارزه با فروش تسلیحات و مبارزه با مافیای مواد مخدر خارج شده و در عمل اثبات کرده که پایبند به هیچیک از اصول حقوق زیست شرافتمندانه نمیشد. تحریم های یکجانبه اقتصادی ممکن است در برخی شرایط که شامل تضعیف اقتصاد و بازارهای مالی، افزایش بیکاری و فقر، افزایش نابسامانی اجتماعی و اقتصادی، تضعیف نظام بانکی و مالی منجر به تروریسم اقتصادی شوند. تحریم های یکجانبه اقتصادی ممکن است به دلیل تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها به طور جدی زیست شرایط انسان ها را تهدید کنند. تحریم های یکجانبه می توانند زیست شرایطمندانه انسان ها را از طریق کاهش دسترسی افراد به کالاهای ضروری مانند غذا، دارو، وسایل پزشکی و سوخت شود که این امر می تواند به تهدید جدی برای سلامت و زندگی انسان ها تبدیل شود. تروریسم اقتصادی می تواند منجر به تضعیف اقتصاد فردی افراد و همچنین اقتصاد کلان یک کشور شود که این امر می تواند به کاهش درآمد، افزایش بیکاری و کاهش سطح زندگی مناسب و متعاقب آن منجر به افزایش استرس، اضطراب و افزایش نگرانی های روانی شود. کاهش دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، تأثیرات منفی بر روی توسعه فردی و اجتماعی انسان ها، تضعیف روابط انسانی و فرهنگی بین کشورها و افراد از دیگر پیامدهای سوء تروریسم اقتصادی است. لذا ماهیت تروریسم اقتصادی از سوی آمریکا علیه کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی و به خصوص جمهوری اسلامی ایران، رسیدن به هدف خود که همان تغییر رفتار سیاسی این کشورها و همسو شدن با سیاستهای ایالت متحده آمریکا میباشد که تاکنون جمهوری اسلامی ایران در مقابل آن ایستادگی کرده و با تشکیل محور مقاومت در غرب آسیا باعث ناکامی آمریکا جهت رسیدن به اهداف خود شده است.

۲. تعاریف

تحریم محدودیتهای نظام مند یک دولت یا جامعه بین المللی علیه یک کشور یا یک گروه در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی با هدف باصطلاح تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول خود، می باشد. این محرومیت، ابزاری برای هدف قرار دادن شاکله روابط اقتصادی - بین المللی کشور مورد هدف است.

۱.۲ انواع تحریم

تحریمها از منظر نوع و مدل به اقتصادی و غیر اقتصادی و از نقطه نظر شدت و سطح اعمال تحریمها به یکجانبه، هدفمند، هوشمند، اولیه یا ابتدایی و ثانویه تقسیم میشود. تحریمهای غیراقتصادی شامل خودداری از اعطای ویزا، کاهش سطح نمایندگیهای سیاسی، جلوگیری از عضویت کشور هدف در سازمانهای بین المللی، مخالفت با میزبانی کشور هدف برای میزبانی الاسهای بین المللی و خودداری از کمکهای مالی و مساعدت های رسمی می باشد. تحریم اقتصادی اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است [1-3]. تحریم اقتصادی اغلب به عنوان جایگزین جنگ و اعمال قوه ی قهریه تلقی میشود. مقصود از مناسبات اقتصادی نیز همه ی انواع روابط اقتصادی اعم از تجاری و مالی است. کشورهای مختلف از تحریمهای محدود اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود علیه کشورهای هدف استفاده میکنند، ولی این نوع تحریم عموماً کمتر بوده است- امروزه تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری در جهت تضمین اجرای قواعد بین المللی و نیز حفظ و اعاده صلح و امنیت بین المللی اهمیت فراوانی یافته است. این اقدام از منظر حقوق بین الملل اساساً مشروع می باشد، مگر آنکه هدف از آن تحریم 9ها، اعمال فشار و سلطه بر سایر کشورها و یا مغایر با تعهدات قراردادی کشورها باشد. نکته دیگر راجع به تحریم های اقتصادی اینکه، تحریم اقتصادی برای هدفهای استراتژیک با تحریم برای هدفهای غیر استراتژیک تفاوت دارد. زیرا تحریم برای هدفهای استراتژیک معمول جایگزین گزینه جنگ می شود و لذا هزینهی اقتصادی آن به مراتب از جنگ کمتر و برای کشور یا کشورهای اعمالکننده، کاملاً قابل توجیه است. به تحریم ورود های اقتصادی برای هدفهای استراتژیک معمول چهار مرحلهای است: اول، تشویق کشور هدف بهطور خصوصی و از راه مذاکره ی دوجانبه، دوم، درخواست علنی از کشور هدف و اعالم عمومی آن، سوم، مشورت با متحدین برای اقدامهای بعدی و اقدام نظامی در صورت نیاز، چهارم، آغاز تحریم از سطح غیر اقتصادی. تحریم یکجانبه: منظور از تحریم یکجانبه محدودیتهای و ممنوعیتهایی است که یک دولت بر دولت یا دولتهایی وضع میکند. در این فرایند، دولتها جدا از قطعنامههای شورای امنیت به محدودیت یا قطع روابط با دیگر دولتها مبادرت میورزند [4-5]. در تحریم همه جانبه نوع از تحریمها معافیتهای بشردوستانه در نظر گرفته نمیشود، کلیه کالاها و خدمات مورد نیاز مردم کشور هدف تحریم میشود. نوع دیگر تحریم، تحریم

هدفمند یا هوشمند است. در این نوع از تحریم، اشخاص حقیقی یا حقوقی، دولتی و غیردولتی که منشأ رفتارهای دولتی میباشند، موردنظر است [6-7]. تحریم اولیه یا ابتدایی تعریف دیگری از تحریم است که در آن، تحریمها تنها محدودیت در روابط بین دو کشور مربوط میشود. در صورتی که تحریم کننده بر دولتهایی که با کشور مورد تحریم به ایجاد رابطه مبادرت ورزند، محدودیت و ممنوعیت اعمال نماید، تحریم ثانویه صورت میگیرد تحریمها از دیدگاه داخلی و بین المللی قابلیت تقسیم بندی دارند. تحریمهای خصوصی (ملی) که توسط افراد، گروهها و سازمانهای غیردولتی به منظور وادار کردن کشور یا اتباع آن به انجام رفتار خاص یا ترک رفتار یک دولت یا تابع آن اعمال می شود. در کنار این، تحریمهای دولتی علیه یکدیگر به عنوان یکی از روشهای غیردوستانه در سیاست خارجی برای تحقق اهداف و تأمین منافع ملی به شمار می روند. تحریمهای جمعی نیز شامل اقداماتی است که توسط سازمانهایی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد یا نهادهای دیگری همچون اتحادیه اروپا اعمال می شود. این تحریمها می توانند در حوزههای مختلفی مانند بازرگانی، مالی و بانکی، سرمایه گذاری، آموزشی، انتقال دانش، سیاسی، نظامی، ورزشی، فرهنگی و افراد تقسیم بندی شوند. تحریم بازرگانی به طور کلی شامل محدود کردن واردات و صادرات به کشور هدف است. تحریم مالی و بانکی شامل مسدود کردن داراییهای کشورهای هدف، ایجاد محدودیت در دسترسی آن کشور به بازارهای خارجی، ممنوعیت یا محدودیت در اعطای اعتبار و وامها، و مسدود کردن پرداختهای انتقالی و بازرگانی بین المللی می شود. تحریم سرمایه گذاری به معنای ایجاد ممنوعیت یا محدودیت در سرمایه گذاری در کشور مورد هدف است. تحریم حمل و نقل نیز شامل همه ممنوعیتها و محدودیتها در حمل کالا و بار در حوزههای زمینی، دریایی و هوایی است. تحریمهای افراد شامل دانشمندان، متخصصان، بازرگانان، بانکداران، ثروتمندان و مسئولان دولتی در پستهای کلیدی مانند مسئولان کشتی رانی است. تحریم انتقال دانش و فناوری مانع از انتقال فناوری، دانش کالاهای، ابزار و تجهیزات تولیدی به کشور هدف است، مانند فناوریهای تولید نفت در ایران. تحریمهای سیاسی شامل اقداماتی همچون تعلیق یا اخراج کشور از سازمانهای بین المللی، ممنوعیت حضور و شرکت دیپلماتهای کشور هدف در کشورهای تحریم کننده یا سازمانهای جهانی می شود. تحریمهای نظامی شامل ممنوعیت واردات و صادرات یا مشارکت در تولید انواع کالاهای نظامی است. به عنوان مثال، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ بیش از ۴۰ کشور در سراسر جهان به اتهام فروش تسلیحات به ایران تحت تحریم قرار گرفتند.

در نهایت، تحریم‌های ورزشی و فرهنگی شامل منع شرکت ورزشکاران در مسابقات بین‌المللی و منع شرکت در نمایشگاه‌های فرهنگی مانند کتاب و فیلم است. این تقسیم‌بندی‌ها و انواع تحریم‌ها هرکدام با اهداف خاصی اعمال می‌شوند که معمولاً به تغییر رفتار کشور هدف و وادار کردن آن به رعایت شرایط و خواسته‌های کشور تحریم‌کننده منجر می‌شوند [9-12].

۲.۲ مبانی تحریم

علیرغم اینکه در عصر حاضر، در عرصه روابط بین الملل تحریم‌ها اغلب به عنوان ابزار سیاست خارجی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در جامعه علمی این حوزه از سیاست در مورد میزان اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی اختلاف نظر وجود دارد. هافبائر، اسکات و والیوت که در زمینه تحریم‌ها صاحب نظر هستند، تحریم‌های اقتصادی را به این صورت تعریف می‌کنند: «انصراف یا تهدید تعمدی از ناحیه یک دولت از تجارت رایج یا روابط مادی، که منظور از "رایج" روابطی است که در صورت عدم اعمال تحریم، برقرار می‌شدند». به عبارت دیگر، این سه نفر تحریم‌های اقتصادی را محدودیت‌هایی بر روابط تجاری و مالی میان کشورها می‌دانند. بالدوین [12] تعریف وسیع‌تری از تحریم‌های اقتصادی ارائه می‌دهد و می‌گوید که تحریم‌های اقتصادی در کنار ابزارهای غیراقتصادی مانند دیپلماسی و تبلیغات، بخشی از امر کشورداری و سیاست‌مداری محسوب می‌شوند. در تعاریف جدیدتر از تحریم‌ها، می‌توان به تعریفی که مارینف [14] ارائه می‌دهد اشاره کرد. او معتقد است که «تحریم‌ها محدودیت‌هایی هستند بر تبادلات اقتصادی رایج که به منظور تغییر رفتار خاص در یک کشور اعمال می‌شوند. بدین ترتیب، تحریم‌های اقتصادی می‌توانند اهداف مختلفی را در زمینه سیاست خارجی دنبال کنند».

بر اساس نظر کمپفر و لوئنبِرگ [14]، تحریم‌ها برای دستیابی به سه هدف کلی اعمال می‌شوند: اول اینکه تحریم‌ها زمانی اعمال می‌شوند که سیاست‌های یک کشور خاص، رفاه یا امنیت کشور اعمال‌کننده را تهدید می‌کنند. به عنوان مثال، در مورد تحریم‌های آمریکا علیه ایران، این کشور برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی علیه امنیت ملی خود می‌داند و به این بهانه سعی دارد با اعمال تحریم‌ها، ایران را از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای خود باز دارد. دوم اینکه تحریم‌های اقتصادی می‌توانند به دلایل اخلاقی یا ایدئولوژیکی اعمال شوند. در این زمینه، نقض حقوق بشر می‌تواند به عنوان دلیلی برای اعمال تحریم در نظر گرفته شود، که یکی از بهانه‌های آمریکا برای اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران بوده است. سوم اینکه تحریم‌ها می‌توانند در حوزه سیاست‌های تجاری و روابط بازرگانی در واکنش به سیاست‌های

تجاری نامطلوب کشورها اعمال شوند. تحریم‌ها به‌نوعی شکل دیگری از جنگ‌ورزی هستند، با این تفاوت که در جنگ نظامی، حداقل در گذشته، تنها سربازان درگیر جنگ و نبرد می‌شدند، اما در تحریم‌ها، تنها شهروندان هدف قرار می‌گیرند. استفاده از تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان یک ابزار جنگی بر اساس این فرض است که مقررات بین‌المللی و سازمان‌های مجری این قوانین، هیئتی از بوروکرات‌ها هستند که خود را بر منصب قضاوت در مورد کشورهای یاغی می‌دانند و در عمل، دستگاه برنامه‌ریزان اقتصادی جهانی را تشکیل می‌دهند. این دیدگاه برخلاف نظر افرادی مانند ویلسون است که معتقدند تحریم‌ها شکل تلطیف‌شده‌ای از جنگ هستند و از وقوع جنگ‌های سخت جلوگیری می‌کنند. ریموند اما بر این باور است که جنگ‌ها اغلب در پی تحریم‌های شدید رخ داده‌اند. رابرت دابلیو مک‌جی [14] بر این باور است که تحریم‌ها نه تنها جمعیت شهروندی بی‌گناه را مجازات می‌کنند، بلکه اغلب افرادی را که پیش‌تر قربانی سیاست‌های دولت خود بوده‌اند نیز تنبیه می‌کنند. به این ترتیب، تحریم‌ها موجب ضرر مضاعف می‌شوند و حتی در صورتی که کاملاً شکست نخورند، می‌توانند پیامدهای مخربی به همراه داشته باشند. وی تأکید دارد که چون تحریم‌ها نوعی بازی با حاصل جمع منفی هستند، زیان‌دیدگان از این اقدامات بیش از سودبرندگان آن آسیب خواهند دید. بسیاری از اقتصاددانان، فلسفه سودگرایانه تحریم‌ها را با وجود دو نقص عمده می‌پذیرند: نخست اینکه محاسبه دقیق ضررها و زیان‌های ناشی از تحریم‌ها امکان‌پذیر نیست و دوم اینکه اعمال تحریم‌ها به نادیده گرفتن کامل حقوق افراد منجر می‌شود. در سیاست بین‌الملل، دو دیدگاه درباره کارکرد تحریم‌ها وجود دارد. از یک سو، نظام بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی برابر و در وضعیت آنارشی تعریف می‌شود. در چنین سیستمی که فاقد یک حکومت جهانی برای برقراری نظم سیاسی است، کشورها بر اساس اصل خودیاری برای دفاع از خود به اقداماتی مانند تحریم متوسل می‌شوند. از سوی دیگر، دیدگاه فیلسوفان و جامعه‌شناسان مطرح است که باور دارند در زمینه تنبیه باید نوعی سلسله‌مراتب وجود داشته باشد تا یک کنشگر بتواند در سطح بین‌المللی کنشگر دیگر را تحریم کند. از این منظر، کشورها بازیگرانی برابر محسوب نمی‌شوند. بر این اساس، تحریم اقتصادی در واقع اقدامی است که توسط قدرت برتر علیه کشور فرو دست به منظور تنبیه آن صورت می‌گیرد؛ پاسخی به رفتاری که با منافع کنشگر هژمون سازگار نیست. در عین حال، این اقدام قدرت برتر صرفاً برای حفظ و بقای نظم هژمونیک انجام نمی‌شود، بلکه هدف از آن برقراری هنجارهای جدیدی در سطح بین‌المللی است که با خواسته‌ها و نیازهای کشور هژمون همسو باشد. [16]

۳,۲ اهداف تحریم‌ها

تحریم‌ها معمولاً اهداف متعددی را دنبال می‌کنند و ممکن است یک یا چند هدف به صورت هم‌زمان از سوی تحریم‌کنندگان پیگیری شود. یکی از اهداف تحریم، بی‌ثبات کردن نظام سیاسی کشور هدف است. مارگارت دوکسی معتقد است که تحریم‌ها در ایجاد تغییرات اساسی در سیاست‌های نظامی و خارجی دولت‌ها موفق نخواهند بود [18]. با این حال، برخی بر این باورند که تحریم‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که به مردم عادی آسیب وارد کنند تا آنها رهبران سیاسی خود را تحت فشار قرار دهند و سیاست‌هایشان را تغییر دهند. اما این روش در نظام‌های غیردموکراتیک کارآمد نیست، زیرا این نظام‌ها از فشار مردم مصون هستند و در مواجهه با مشکلات خارجی حتی حمایت جمعی قوی‌تری از دولت خود نشان می‌دهند. از دیگر اهداف تحریم، تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف است که ممکن است شامل تأثیرگذاری بر سیاست‌های داخلی یا خارجی آن باشد، حتی اگر این تأثیر در سطوحی کمتر از تغییرات بنیادین رخ دهد. تنبیه و مجازات کشور هدف به دلیل نقض حقوق بین‌الملل یا منافع تحریم‌کنندگان نیز از جمله اهداف اصلی تحریم‌هاست. برای مثال، عراق به دلیل حمله به کویت و همچنین تجاوز پیشین به ایران، تحت تحریم قرار گرفت. [19] هدف دیگر، پیشگیری از دستیابی کشور هدف یا هر بازیگر دیگر به توانمندی‌هایی است که ممکن است برای صلح و امنیت بین‌المللی خطرآفرین باشند. گاهی اوقات، تحریم‌ها به منظور ابراز مخالفت نمادین با سیاست‌های کشور هدف اعمال می‌شوند. همچنین، برخی تحریم‌ها برای منصرف کردن کشور هدف از پیگیری سیاست‌هایی است که تحریم‌کنندگان آن‌ها را ناخوشایند می‌دانند. به عنوان نمونه، تحریم ایالات متحده علیه پرو در سال ۱۹۶۸ با هدف جلوگیری از خرید هواپیماهای جنگنده از فرانسه اعمال شد [16]. در مواردی، تحریم‌ها به عنوان جایگزینی برای جنگ یا راهی برای محدود کردن و خاتمه دادن به جنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. کالین کال، معاون مشاور وزیر دفاع آمریکا، در مقاله‌ای در نشریه روابط خارجی (۲۰۱۲) با عنوان «زمان حمله به ایران نیست»، به این موضوع اشاره می‌کند و معتقد است که تحریم‌های سنگین و گسترده اقتصادی می‌توانند به جای اقدام نظامی پیگیری شوند. علاوه بر این، تحریم‌ها گاهی به صورت یک‌جانبه یا چندجانبه اعمال می‌شوند تا دامنه تهدیدها را خنثی یا محدود کنند. در نهایت، تحریم‌ها می‌توانند مقدمه‌ای برای به کارگیری قوه قهریه توسط سازمان ملل متحد یا دولت‌های تحریم‌کننده باشند.

۳. اهمیت و اهداف تحریم‌های یکجانبه و بررسی آن از منظر حقوق بین‌الملل

شورای امنیت سازمان ملل متحد طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، این اختیار را دارد که برای اجرای تصمیمات خود در راستای اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، تحریم‌هایی علیه کشورها اعمال کند. با این حال، برخی کشورها یا گروهی از کشورها به دلایل مختلف از ابزار تحریم به‌طور یکجانبه برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. هرچند تحریم‌های شورای امنیت به‌عنوان تحریم‌های یکجانبه تلقی نمی‌شوند، اما طبق منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، تابع محدودیت‌هایی هستند. در خصوص غیرقانونی بودن تحریم‌های یکجانبه، مبانی مختلفی در حقوق بین‌الملل وجود دارد. ایالات متحده آمریکا نقش تعیین‌کننده و محوری در اعمال تحریم‌ها هم به‌صورت یکجانبه و هم چندجانبه ایفا کرده است و بیشتر تحریم‌ها علیه ملت‌های ضعیف‌تری اعمال شده که سیاست‌هایشان با منافع ایالات متحده آمریکا در تضاد بوده است. تحریم‌های اقتصادی یکجانبه اقداماتی اجباری هستند که توسط یک دولت علیه کشور دیگری، حکومت یا اشخاص و نهادهای تحت صلاحیت آن با هدف وادار کردن کشور هدف به تغییر رفتار یا سیاستی که منجر به اعمال تحریم‌ها شده است، انجام می‌شوند. بر اساس این رویکرد، تحریم‌های اقتصادی محدود به محدودیت‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و دیگر فعالیت‌های اقتصادی فرامرزی هستند که درآمد و منافع تجاری دولت هدف را کاهش می‌دهند و از این طریق تغییرات مورد نظر را بدون نیاز به اقدام نظامی تسهیل می‌کنند. بنابراین، یکی از منطق‌های پشت تحریم‌های اقتصادی، اجتناب از برخورد نظامی میان طرفین است و به همین دلیل اقداماتی که با دخالت عنصر نظامی همراه باشند، نیز ممکن است به کار گرفته شوند. هدف اصلی تحریم‌های اقتصادی محدود کردن تجارت خارجی، جریان سرمایه‌گذاری خارجی یا محروم ساختن کشور هدف از منافع و همچنین کمک‌های دولتی است که در راستای اجرای اهداف سیاست خارجی تحریم‌کننده اعمال می‌شود. تحریم‌های اقتصادی ممکن است اهداف سیاسی نیز داشته باشند و غالباً به منظور اعمال فشار بر دولت هدف یا دیگر دولت‌ها و اشخاصی که مستقیماً هدف تحریم نیستند اما با دولت هدف روابط تجاری دارند، اعمال می‌شوند. در مورد ماهیت تحریم‌های اقتصادی برخی بر این باورند که این تحریم‌ها نوعی مجازات هستند که نمی‌توان آن‌ها را لغو یا حذف کرد، اما باید اشاره کرد که این تعریف غالب شامل اشکال تحریم‌های اقتصادی مانند مسدودسازی دارایی‌های مالی و کنترل صادرات نمی‌شود زیرا در این موارد امکان لغو تحریم‌ها وجود دارد زمانی که تغییراتی در رفتار کشور هدف ایجاد شود. در واقع، اعمال و

لغو تحریم‌ها امری ارادی است و بستگی به خواست طرف اعمال‌کننده دارد. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند هم از جنبه‌های مثبت و هم منفی مورد توجه قرار گیرند. تحریم‌های اقتصادی مثبت آن‌هایی هستند که در آن دولت اعمال‌کننده در قبال تغییر رفتار یا سیاست دولت هدف، به آن اجازه می‌دهد که دسترسی بیشتری به بازارهای آن داشته باشد یا کمک‌های مالی خود را افزایش دهد. در واقع در تحریم‌های مثبت، یکسری مشوق‌های اقتصادی به دولت هدف پیشنهاد می‌شود که شامل کمک‌های مالی، پرداخت وام و دیگر امتیازات تجاری است. اما در تحریم‌های منفی، دولت هدف از طریق اقداماتی مانند تحمیل هزینه‌ها یا محدودیت‌هایی در روابط تجاری و اقتصادی خود با دیگران، از مزایای تجاری و اقتصادی محروم می‌شود. در این صورت، وعده استرداد این امتیازات در صورت تبعیت از سیاست‌های خاص، به منزله تحریم مثبت نخواهد بود. در خصوص مشروعیت تحریم‌های یکجانبه اقتصادی در حقوق بین‌الملل، از اوایل دهه ۱۹۹۰، کشورهای قدرتمند به‌طور چشمگیری تحریم‌های اقتصادی را چه در قالب برنامه‌های تحریمی شورای امنیت و نهادهای منطقه‌ای مانند جوامع اروپایی و چه به‌صورت مستقل و یکجانبه به کار گرفته‌اند. این امر موجب بروز مسائل حقوقی و اقتصادی مهمی شده است، از جمله بحث در خصوص توانایی و صلاحیت دولتها در اعمال تحریم‌ها و استفاده از آن‌ها برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود و آثار این تحریم‌ها بر فعالیت‌های تجاری بین‌المللی و نظارت بر بازارهای مالی. به‌طور خاص، برخی دولتها قوانینی را در نظام حقوقی خود تصویب کرده‌اند که اقداماتی را در قبال دولت‌های خاص تجویز می‌کنند، در حالی که دولت‌های دیگر قوانینی وضع کرده‌اند که به نهادهای حکومتی اجازه می‌دهد تا شروطی را برای انجام معاملات تجاری تعیین کنند. مشروعیت برنامه‌های تحریمی اعمال‌شده توسط یک دولت تا حدودی می‌تواند از طریق میزان شفافیت قوانین و مقررات مربوط به این تحریم‌ها بررسی شود. در این راستا، اهداف و مقاصد این تحریم‌ها باید به وضوح در قوانین و مقررات درج شود و انتظارات رفتاری که از دولت هدف وجود دارد، به‌صراحت بیان گردد.

۱.۳ اصول حقوق بین‌المللی حاکم بر کاربرد یکجانبه تحریم‌های اقتصادی

تحلیل و بررسی اصول تحریم‌های اقتصادی به‌طور کلی بر اساس دو دسته اقدام مقابله به مثل و اقدام متقابل تقسیم می‌شود. هر یک از این اقدامات از دیدگاه حقوق بین‌الملل بستگی به اصول و قواعد خاص خود دارد. اقدام مقابله به مثل، عملی قانونی است که هدف از آن مجازات دولت خاطی است و در آن هیچ تعهدی نقض نمی‌شود، مگر اینکه دولت به موجب معاهدات خاص از اقداماتی مشابه منع

شده باشد. دولت‌ها می‌توانند اقدامات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دیگر هزینه‌ها را بدون نقض تعهدات بین‌المللی، بر دولت هدف یا افراد تحت صلاحیت آن تحمیل کنند. این اقدامات ممکن است شامل محدود کردن روابط تجاری، اعمال فشار بر شرکت‌ها و کشورهای ثالث برای عدم ارتباط تجاری با دولت هدف، یا تعلیق کمک‌های اقتصادی باشد. اجرای تحریم‌های اقتصادی یکجانبه با اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل حاکمیت دولتها و منع مداخله در امور داخلی، در تضاد است. با این حال، این اصول در واکنش به نقض قواعد آمره بین‌المللی مانند نقض فاحش حقوق بشر، فاقد اعتبار قانونی می‌باشند. اعمال تحریم‌های اقتصادی یکجانبه از طریق صلاحیت فراسرزمینی با چالش‌های حقوقی روبه‌رو است. به این معنا که دولت‌ها ممکن است قوانین داخلی خود را خارج از قلمرو سرزمینی خود به اجرا بگذارند، که این می‌تواند موجب تضاد با حاکمیت دولتها ثالث شود. در واقع، تحریم‌های اقتصادی اعمال‌شده توسط دولتها تنها محدود به افرادی می‌شود که در کشور تحریم‌کننده فعالیت می‌کنند یا در آن ثبت شده‌اند. در زمینه تحریم‌های اقتصادی، سه نظریه اصلی وجود دارد: نظریه حاکمیت کشور، نظریه بی‌طرفی و نظریه منع قانونی. طبق نظریه حاکمیت کشور، دولت‌ها می‌توانند در روابط خارجی خود با دیگر کشورها به‌طور آزادانه عمل کنند و برای پیشبرد اهداف سیاسی خود، می‌توانند کشور دیگری را تحت فشار اقتصادی قرار دهند. این دیدگاه، که از اواسط قرن هجدهم توسط افرادی مانند واتل، حقوقدان سوئسی مطرح شد، تأکید می‌کند که وظایف و تکالیف یک دولت نسبت به کشور خود در اولویت است. نظریه منع قانونی بر این باور است که نه تنها تحریم‌های ثانویه، بلکه تحریم‌های اولیه نیز مجاز نیستند. این نظریه عمدتاً از رویکردهای اقتصادی کالسیک لیبرال ناشی می‌شود و معتقد است که هر گونه اختلال عمدی در جریان طبیعی و عادی معاملات اقتصادی موجب خسارت و آسیب به اقتصاد جهانی می‌شود. در این دیدگاه، تحریم‌های اقتصادی یکجانبه به‌ویژه در رابطه با کشورهای در حال توسعه، غیرقانونی و محکوم هستند. کشورهای در حال توسعه بر اساس مفاد منشور ملل متحد، مخالفت خود را با اعمال تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه در قالب اقدامات قهرآمیز اعلام می‌کنند. نظریه بی‌طرفی دیدگاهی میان دو رویکرد حاکمیت کشور و منع قانونی است. این نظریه از یک طرف جنگ اقتصادی مستقیم را مجاز می‌داند، ولی تلاش می‌کند اثرات زیان‌بار آن را بر کشورهای ثالث به حداقل برساند. در حالی که نظریه حاکمیت کشور هیچ تفاوتی میان درجات مختلف تحریم‌ها نمی‌بیند و هر کشور را مجاز می‌داند از برقراری روابط اقتصادی با دیگر کشورها به هر دلیلی امتناع کند.

۴. بازتاب اصل کرامت در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر

۴.۱، حقوق بنیادی بشر: پایه‌های اساسی زندگی

سال‌هاست که بحث‌های زیادی در مورد حقوق بشر و حقوق اولیه انسانی مطرح می‌شود و افراد از طبقات مختلف اجتماعی و سیاسی نظرات متفاوتی در این مورد دارند. برخی حقوق بشر غربی را ناقص می‌دانند و برخی آن را به ایدئولوژی خاصی مرتبط می‌سازند. با گسترش فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و دسترسی سریع نسل‌های جوان‌تر به اطلاعات جهانی، تعاریف مختلفی از «حقوق بنیادی بشر» ارائه می‌شود. همچنین، قوانین زیادی در حوزه هوش مصنوعی تدوین می‌شود که بر لزوم رعایت حقوق بشر در هر توسعه و کاربرد این فناوری تأکید دارند. در اسناد بین‌المللی معمولاً از «رعایت حقوق بشر، دموکراسی و حکمرانی قانون» به‌عنوان ارکان ضروری ورود هوش مصنوعی به جوامع یاد می‌شود. در این راستا، باید به این سوال پاسخ داد که حقوق بنیادی بشر دقیقاً چه مفاهیمی دارند؟ در دنیای کنونی که تنوع سلیقه‌ها، رویه‌های حکمرانی و شبکه‌های زندگی فردی و اجتماعی در آن وجود دارد، حقوق بنیادی بشر می‌تواند به‌عنوان عامل مشترک انسان‌ها را به هم پیوند دهد. دستیابی به این حقوق، فارغ از هرگونه تمایز، تضمین‌کننده زندگی شرافتمندانه برای تمامی انسان‌ها است. کارل پوپر در کتاب «جامعه باز و دشمنان آن» بیان می‌کند که نه تنها دانشمندان و مهندسان مسئول توسعه علم و فناوری هستند بلکه مسئولیت استفاده از این دستاوردها نیز بر عهده آنان است. برای مهندسان نرم‌افزار، به‌ویژه کسانی که در حوزه هوش مصنوعی فعالیت می‌کنند، ضروری است که اسناد بین‌المللی و توصیه‌های یونسکو برای اخلاق هوش مصنوعی را در نظر گرفته و عملکرد سامانه‌های طراحی‌شده خود را با این اصول تطبیق دهند تا از نقض حقوق بشر جلوگیری کنند. اسناد مختلفی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۷۶) و قانون اساسی ایران (۱۳۵۸) و منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵) حقوقی را برای مردم به رسمیت شناخته‌اند که در مجموع می‌توان آن‌ها را در قالب «آزادی، برابری و کرامت انسانی» خلاصه کرد. این حقوق شامل حق حیات، آزادی و امنیت، برابری در برابر قانون، آزادی بیان و عقیده، آزادی اجتماعات، حق حریم خصوصی، آزادی اندیشه و مذهب، حق محاکمه عادلانه، حق کار و آموزش، حق سلامت، حق غذا و آب، حق مسکن، و دسترسی آزاد به اینترنت است. هرچند دسترسی به اینترنت به‌طور صریح در این اسناد ذکر نشده است، اما براساس ماده ۱۹ اعلامیه جهانی

حقوق بشر و سایر میثاق‌های بین‌المللی، می‌توان آن را یکی از حقوق اساسی بشر در عصر حاضر محسوب کرد. علاوه بر این، حمایت از حقوق جدیدی مانند حق محیط زیست سالم و حق حریم خصوصی دیجیتال همچنان در دست بررسی است. این حقوق بشر مطلق نیستند و ممکن است در شرایط خاص محدود شوند، اما حفظ و ترویج این حقوق وظیفه‌ای همگانی برای تضمین احترام به کرامت و برابری انسان‌ها است. بررسی معاهدات بین‌المللی نشان می‌دهد که بسیاری از اسناد حقوق بشر بر اصولی چون کرامت انسانی تأکید دارند و در این راستا، تبعیض نژادی، شکنجه، و دیگر رفتارهای غیرانسانی ممنوع است. اسناد مختلف از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، و میثاق‌های حقوقی دیگر، کرامت انسان را به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بشر به رسمیت شناخته و از آن دفاع کرده‌اند. این تأکیدات در اسناد مختلفی مانند میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون‌ها و منشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی همچنان ادامه دارد و تمامی این اسناد بر لزوم احترام به کرامت انسان‌ها، بدون توجه به نژاد، مذهب، جنسیت و دیگر ویژگی‌های شخصی تأکید دارند [20-23].

۲.۴ تحلیل حقوقی ماهیت تحریم‌ها

موضوع تحریم‌ها به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ابعاد مختلفی دارد و تأثیر آن بر زندگی افراد به ویژه اقشار ضعیف و متوسط جامعه محسوس است و تهدیداتی جدی برای آنان ایجاد می‌کند. با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی مانند منشور سازمان ملل (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، می‌توان گفت که تحریم‌هایی که منجر به رنج و مشقت انسانی می‌شوند، از منظر حقوق بین‌الملل توجیه‌پذیر نیستند. حتی زمانی که تحریم‌ها تحت نظر سازمان ملل و با اجماع جهانی اعمال می‌شوند، این اصل همچنان مورد توجه قرار می‌گیرد. گزارش‌های سازمان‌هایی مانند یونیسف و صلیب سرخ جهانی نشان می‌دهند که تحریم‌ها موجب به خطر افتادن سلامت مردم، سوءتغذیه کودکان و زنان باردار و شیرده شده و عمق فاجعه انسانی را به نمایش می‌گذارند. بنابراین، باید اندیشه‌های بشردوستانه و رعایت حقوق اساسی بشر تقویت شود تا کشورهای قدرتمند نتوانند به بهانه اهداف سیاسی، مردم بی‌گناه و نیازمند را به گروگان بگیرند [24-26].

۳,۴ قانون گریزی از اصل برابری حاکمیت

یکی از نتایج استقرار حاکمیت بین‌المللی قانون، مسئولیت کشورهای تابع حقوق بین‌الملل در رعایت اصول این حقوق و تقویت روحیه پاسخگویی در سطح بین‌المللی است. با این حال، به دلیل تاثیر سیاست عملی بر عرصه بین‌الملل و اولویت دادن به سیاست بر حقوق، و همچنین رویکرد یکجانبه‌گرایانه، بسیاری از کشورهای عضو نادیده گرفتن قواعد بین‌المللی را در پیش گرفته‌اند. از آنجا که حفظ صلح و امنیت جهانی، حل و فصل اختلافات، و ترویج حقوق بشر از اهداف اصلی سازمان ملل متحد است، استقرار و تقویت حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است. بر اساس این اصول، دولت‌های عضو سازمان ملل در سند نهایی اجلاس سران ۲۰۰۴ بر لزوم تبعیت جهانی از حاکمیت قانون و اجرای آن در سطوح ملی و بین‌المللی تأکید کردند و متعهد شدند که به نظم بین‌المللی مبتنی بر حاکمیت قانون و حقوق بین‌الملل که برای همزیستی و همکاری میان دولت‌ها ضروری است، پایبند باشند. مجمع عمومی سازمان ملل از سال ۱۹۹۲ موضوع حاکمیت قانون را به طور مداوم در دستور کار خود قرار داده و از سال ۲۰۰۶ حداقل سه قطعنامه در این خصوص تصویب کرده است. همچنین شورای امنیت در قطعنامه‌های خود، از جمله شماره‌های ۱۳۲۵، ۱۶۱۲، ۱۶۷۴ و ۱۸۲۰، بر اهمیت حاکمیت قانون در سطح داخلی و بین‌المللی تأکید کرده است. بنابراین، با توجه به این اصول می‌توان گفت که تحریم‌های یکجانبه علیه دولت‌ها، نقض حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. در خصوص تحلیل‌های برخی اندیشمندان، از جمله جان مک‌گین و دونالد اسنو، امنیت بین‌المللی و معادلات راهبردی جهانی نمی‌توانند به سادگی با اصول و قواعد پیشین حل و فصل شوند. ایالات متحده آمریکا از طریق جنگ‌های روانی، نظامی و سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه به دنبال تسلط بر مدیریت جهانی است، در حالی که برخی کشورها، مانند اتحادیه اروپا، از طریق اتحادهای خود تلاش دارند تا از زیر سلطه هژمونی آمریکا خارج شوند. این تلاش‌ها، که تا حد زیادی موفق بوده‌اند، نشان‌دهنده احترام به حاکمیت قانون و مقابله با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا است. در عین حال، اتحادیه اروپا قصد ندارد به عنوان جایگزین آمریکا عمل کند و این را می‌توان در حمایت اکثریت کشورهای اروپایی از جایگاه سازمان ملل و مقررات بین‌المللی مشاهده کرد. به عقیده بسیاری از سیاستمداران اروپایی، هرچند یکجانبه‌گرایی آمریکا در مراحل اولیه تأسیس و اجرا تأثیرگذار بوده است، اما در ادامه با مشکلات جدی مواجه شده و خواهد شد. این نکته در اقدامات آمریکا، مانند حمله به

عراق و ترور سردار سلیمانی، که منجر به نادیده گرفتن مقررات بین‌المللی و جایگاه سازمان ملل شد، قابل مشاهده است و همین امر باعث عدم همراهی جهانی با این اقدامات شده است. همچنین، یکجانبه‌گرایی آمریکا در رأی‌دهی به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل نیز به وضوح مشاهده می‌شود؛ نمایندگان این کشور در بیش از ۶۰ درصد از این رأی‌گیری‌ها رأی منفی داده‌اند [27-29].

۵. تحریم‌ها و نقض حقوق بشر

تحریم‌ها به دلیل پیچیدگی‌هایی که دارند، ابعاد گوناگونی از سیاست، جامعه‌شناسی، اقتصاد و فرهنگ را در بر می‌گیرند. آثار این تحریم‌ها به‌ویژه بر زندگی افراد ضعیف و متوسط جامعه تأثیر زیادی دارد و این افراد را به‌طور جدی تهدید می‌کند. با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر که در منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و دیگر اسناد بین‌المللی آمده است، می‌توان گفت که اگر تحریم‌ها منجر به رنج و محنت انسان‌ها شوند، از نظر حقوق بین‌الملل هیچ توجیهی ندارند. این مسئله حتی در مواردی که تحریم‌های اقتصادی توسط سازمان ملل متحد تحت نظارت منشور سازمان ملل با اجماع بین‌المللی تصویب شده‌اند، نیز قابل توجه است. گزارش‌های تکان‌دهنده از سازمان‌هایی مانند یونیسف و صلیب سرخ جهانی در خصوص تهدید سلامتی مردم مناطق مختلف و سوءتغذیه کودکان و زنان باردار و شیرده در نتیجه تحریم‌ها، عمق فاجعه‌بار این تحریم‌ها را به تصویر می‌کشد. به همین دلیل باید تلاش کرد تا اندیشه‌های بشردوستانه و رعایت حقوق اساسی بشر تقویت شود تا کشورهای قدرتمند نتوانند با استفاده از تحریم‌های اقتصادی، مردم بی‌گناه را به گروگان بگیرند. حاکمیت بین‌المللی قانون و مسئولیت دولت‌ها در اجرای قواعد حقوق بین‌الملل در عرصه بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است. با این حال، به دلیل غلبه سیاست بر حقوق و برخی اقدامات یکجانبه‌گرایانه، بسیاری از دولت‌ها قواعد بین‌المللی را نادیده می‌گیرند. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج حقوق بشر از وظایف اصلی سازمان ملل متحد است، بنابراین استقرار و ارتقای حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است. دولت‌های عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ در اجلاس سران خود نیاز به تبعیت جهانی از حاکمیت قانون در سطح ملی و بین‌المللی را شناسایی کردند و به تعهد خود نسبت به نظم بین‌المللی مبتنی بر حاکمیت قانون تأکید کردند. از سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل موضوع حاکمیت قانون را در دستور کار

قرار داده و از آن زمان تاکنون چندین قطعنامه در خصوص این موضوع به تصویب رسانده است. همچنین شورای امنیت در قطعنامه‌های مختلف خود، بر اهمیت حاکمیت قانون در سطح داخلی و بین‌المللی تاکید کرده است. بنابراین تحریم‌های یکجانبه علیه دولت‌ها به نوعی نقض حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. با توجه به تحولات بین‌المللی، برخی کشورها مانند اتحادیه اروپا تلاش کرده‌اند تا از زیر چتر هژمونی آمریکا بیرون بیایند و به حاکمیت قانون احترام بگذارند. اما نکته مهم این است که اتحادیه اروپا قصد مقابله با آمریکا یا تبدیل به بدیل آن را ندارد، بلکه بر احترام به جایگاه سازمان ملل متحد و رعایت قواعد بین‌المللی تاکید دارد. سیاست یکجانبه‌گرایانه آمریکا ممکن است در مراحل اولیه تاثیرگذار بوده باشد، اما در ادامه مشکلاتی در تثبیت آن به وجود آمده است. این مسائل در اقدامات آمریکا مانند حمله به عراق یا ترور سردار سلیمانی قابل مشاهده است، چرا که این اقدامات موجب نقض قواعد بین‌المللی و عدم همراهی جهانی شده است. در زمینه حقوق بشر، نزدیک‌ترین عبارت برای توصیف یکجانبه‌گرایی «اقدامات قهری یکجانبه» است که هم از نظر صفت منفی خود و هم از نظر تأثیرات خشونت‌آمیز آن، مفهوم مشخصی را منتقل می‌کند. در قطعنامه شماره ۱۵۲ کنفرانس تجارت و توسعه (آنکتاد) در سال ۱۹۸۳، این عبارت با مفهوم «اقدامات قهری اقتصادی» ترکیب شد و به مرور زمان دامنه آن از اقتصاد به سیاست نیز گسترش یافت. در قطعنامه شماره ۱۹۷ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۳، به‌طور صریح اعلام شد که برخی کشورهای توسعه‌یافته در حال استفاده از تهدید و اعمال فشارهای قهری به کشورهای در حال توسعه هستند که تأثیرات منفی بر اقتصاد این کشورها و فرآیند ایجاد صلح و دوستی میان دولت‌ها دارد. از این رو، از کشورهای توسعه‌یافته خواسته شده است تا از اعمال تحریم‌های اقتصادی یا اقدامات محدودکننده علیه کشورهای در حال توسعه خودداری کنند. این رویکرد باعث شد تا از سال ۱۹۹۵ به بعد، توجه ویژه‌ای به اثرات منفی اینگونه اقدامات بر حقوق بشر معطوف شود و حقوق بشر و اقدامات قهری یکجانبه به عنوان موضوعی جداگانه در مجمع عمومی مطرح گردد. از آن زمان به بعد، در کمیسیون حقوق بشر نیز قطعنامه‌ای با عنوان «حقوق بشر و اقدامات قهری یکجانبه» تصویب شد که در آن تاکید شده بود که کالاهای اساسی، به‌ویژه غذا و دارو نباید به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار سیاسی استفاده شوند. این رویکرد موجب شد تا اثرات منفی تحریم‌ها بر حقوق بشر و مردم عادی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. تحریم‌های اقتصادی یکجانبه می‌تواند حقوق بشر را نقض کند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای مردم کشورهای

هدف به دنبال داشته باشد. طبق منشور سازمان ملل متحد، دولت‌ها موظف به احترام به حقوق بشر و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان خود هستند و باید به حقوق بشر، بهداشت عمومی و ارتقای سطح زندگی توجه داشته باشند. این موارد باید در سیاست‌گذاری‌های دولتها در راستای تحقق اهداف منشور سازمان ملل قرار گیرد. در این میان، تحریم‌ها که به ویژه بخش زیادی از منابع درآمدی ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به شدت بر افراد و بخش‌های مختلف اقتصادی کشور آسیب می‌زند. بیماران خاص که به داروهای وارداتی نیاز دارند، بیشترین آسیب را از تحریم‌ها می‌بینند. همچنین تحریم‌ها حق مردم به آموزش، دسترسی به اطلاعات و رشد اقتصادی را نقض می‌کند و این خود بر رشد و توسعه پایدار کشور تاثیر منفی می‌گذارد. تحریم‌ها موجب تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شوند و از این رو بر رفاه عمومی و امنیت ملی کشور تاثیر منفی می‌گذارند. در حال حاضر اصول حقوق بشر در جهان به عنوان یک موضوع مهم و دغدغه اصلی تمامی ملل دنیا قرار گرفته که در این میان کشورهای اروپایی و آمریکا خود را سردمدار اجرای موازین حقوق بشری معرفی کرده‌اند و دولت ایالات متحده آمریکا با استفاده ابزاری از حقوق بشر، کشورهای مخالف خود را ناقض حقوق بشر معرفی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی خود در سال ۱۳۵۷ تاکنون که دهه چهارم خود را پشت سر نهاده همواره مورد تهدیدات و تحریم‌های مختلف آمریکا قرار گرفته است. بیشترین تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌های هسته‌ای است، آمریکا به بهانه اینکه ج.ا.ایران به دنبال استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و فضای مجازی که در اختیار دارد، به دنیا تلقین می‌کند که ج.ا.ایران در آینده یک تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد؛ لذا در همین راستا تحریم‌هایی را در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران به تصویب رسانده است. نکته اصلی در رابطه با تحریم‌های آمریکا علیه ج.ا.ایران این است که تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل نباید مغایر با حقوق بشر باشد، اما وقتی که به تحریم‌های آمریکا علیه ج.ا.ایران نگاه می‌کنیم، مهمترین مصادیق حقوق بشری را نقض نموده است و حتی کشورهای دوست آمریکا را نیز وادار کرده که در صورت عدم تحریم ایران مجازات سنگینی را علیه آنان وضع خواهد کرد. تحریم‌های آمریکا در زمینه‌های اقتصادی به خصوص تحریم‌های نفتی ضربات سنگینی علیه شهروندان ایرانی داشته است. تحریم انواع اقلام دارویی برای بیماران خاص، نمونه اصلی این مصداق است. تحریم‌های هسته‌ای ایران و

ترور دانشمندان ایرانی که در زمینه فناوریهای صلحآمیز هستهای کار علمی انجام میدادند، نمونه آشکار نقض قوانین و حقوق بین المللی است. آثار تحریمهای آمریکا در مقاطع مختلف موجب نقض گسترده حقوق بشر شده است. در پایان ذکر این نکته ضروری است که هدف تمامی تحریمها علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی و ایران به بهانه نقض حقوق بشر گویای این مطلب است که منافع دولت آمریکا ایجاب میکند که با استفاده ابزاری از حقوق بشر بتواند به اهداف خود برسد، یعنی استفاده سیاسی از حقوق بشر برای حفظ منافع ملی آمریکا و دولتهای حامی خود تفسیر نقض یا عدم نقض حقوق بشر را دولت آمریکا تعیین میکند که جمهوری اسلامی ایران، با رویکرد اتکا به توان داخلی خود و اقتصاد مقاومتی و روحیه انقلابی و جهادی تاکنون موفق به پیشبرد اهداف خود در منطقه غرب آسیا بوده و نه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه بین المللی توانسته بر تحریمها پیروز شود و از جنگ اقتصادی که آمریکا علیه ج.ا.ایران شروع کرده موفق بیرون آید. [30]

۶. محدودیت های حقوقی تحریم

یکی از مسائل مهمی که در اعمال تحریم های بین المللی مد نظر می باشد این است که اعمال تحریم حتی در مواردی که مشروعیت حقوقی و بین المللی دارد، منوط به رعایت قواعد بین المللی می باشد و در واقع تابعان حقوق بین الملل باید در اعمال تحریم برخی محدودیت های حقوقی و قانونی را بپذیرند و در چارچوب ان اقدام کنند [31].

۶.۱ محدودیت های تحریم به موجب اصول عام حقوق بین الملل

الزام تحریم کنندگان و برخی نهادهای جمعی بین المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل به اصول حقوق بین الملل عمومی در زمینه اعمال تحریمها، مستلزم رعایت سه اصل مهم است که عبارتند از: اصل انسانی بودن، اصل ضرورت و اصل تناسب. اصل انسانی بودن تحریمها که به مفهوم رعایت جنبه های انسانی در اعمال این گونه تحریمهاست، یکی از اصول مهم برگرفته از حقوق بین الملل عمومی می باشد. نکته ای که باید مدنظر قرار گیرد این است که اصل انسانی بودن با اصل رعایت موازین حقوق بین الملل بشر متفاوت است. به این معنا که اصل انسانی بودن دایره وسیع تری دارد و بسیاری از حقوق انسانی را که در زمره حقوق بشر قرار نمی گیرند، نیز در بر می گیرد. این اصل مصادیق متعددی دارد. ماده ۲ کنوانسیون

سوم ژنو (۱۶۷۶) در بیان حقوق اسیران جنگی، برخی از این مصادیق را ذکر کرده است که عبارتند از: آسایش فردی، بهداشت، محل مناسب برای زندگی و مواد خوراکی مناسب و مغذی، دسترسی به آب آشامیدنی کافی، پوشاک، مراقبت پزشکی، حق انجام مناسک مذهبی و فرصت انجام فعالیت‌های فکری، آموزشی، تفریحی، ورزش و بازی. نتیجه این که اعمال اصل انسانی بودن به عنوان یک اصل کلی حقوقی بیانگر این نکته است که چنین اقداماتی (تحریم) نباید به آن درجه از شدت برسند که انسان‌ها را در معرض شرایط غیرانسانی قرار داده و با خطر بیماری و مرگ مواجه سازند. اصل ضرورت با موضوع کارآمدی تحریم‌ها ارتباط دارد. برای تحقق شرط ضرورت، برنامه تحریم باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که بتوان به نحو متعارفی از آن انتظار تحقق بخشیدن به هدف مورد نظر را داشت. به عبارت دیگر، رفتار تحریم‌شونده باید تغییر کرده و موجب گردد که او از قواعد حقوقی تبعیت نماید [32]. از آنجایی که معیار ضرورت با امکان تحقق اهداف تحریم سنجیده می‌شود، رعایت این معیار مستلزم آن است که تحریم از کارآمدی لازم برخوردار بوده و بتواند در تغییر رفتار متخلفانه مؤثر واقع شود. نکته دیگر این است که اصل حسن نیت، به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی، ایجاب می‌کند که مرجع تحریم‌کننده در اعمال تحریم، اقدامی فراتر از حد لازم مبادرت نرزد. اصل تناسب با ضرورت ارتباط دارد. گفته می‌شود که میزان هر محدودیتی باید دقیقاً با ضرورت تناسب داشته باشد یا متناسب با منفعت بالاتری باشد که به وسیله آن محدودیت مورد حمایت قرار می‌گیرد. اصل تناسب صرفاً در ارتباط با اقدامات مشروع و ضروری قابل استناد است. بنابراین، چنانچه اقدامی از نظر حقوق بین‌الملل نامشروع و متخلفانه باشد، استناد به معیار تناسب به منظور مشروع جلوه دادن آن نمی‌تواند موجه باشد. اقدامات متقابل و تصمیمات شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد از جمله اقدامات مشروعی هستند که استناد به معیار تناسب در مورد آنها امکان‌پذیر است. اصل تناسب مستلزم آن است که تحریم‌ها واکنشی مناسب در قبال رفتار کشور مورد تحریم باشند. به این منظور، لازم است که منافع حاصله از برنامه تحریم بیش از زیان‌های ناشی از آن باشد. تناسب واجد دو مفهوم درونی و بیرونی است. تناسب در مفهوم درونی به این معناست که تحریم با هدفی که تحریم‌کننده در ذهن دارد متناسب باشد. در مقابل، تناسب بیرونی به این معناست که تحریم با توجه به اهمیت منفعت حقوقی مورد حمایت، شدت نقض و آثار ناشی از نقض قاعده، متناسب محسوب گردد. محدودیت‌های تحریم به موجب قواعد خاص منشور ملل متحد به مؤثر بودن تحریم‌ها اشاره دارد. طبق بند (۱) ماده ۱ منشور ملل متحد، یکی از اهداف ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و به این منظور باید

اقدامات دسته‌جمعی مؤثری برای پیشگیری و رفع تهدیدات علیه صلح و سرکوب اعمال تجاوزکارانه یا نقض صلح به عمل آورد. تحریم اقتصادی یکی از انواع اقدامات دسته‌جمعی است و باید از کارآمدی و تأثیرگذاری لازم برخوردار باشد. چنانچه این اقدامات مؤثر نباشند، نباید اعمال شوند و در صورتی که اجرای آنها آغاز شده و بی‌تأثیر تشخیص داده شده‌اند، باید متوقف شوند. بر همین اساس، یکی از وظایف کمیته‌های تحریم شورای امنیت بررسی تأثیرگذاری و کارآمدی تحریم‌های اقتصادی است. اعمال تحریم‌ها به صورت پلکانی و تشدید آنها نیز نشانگر توجه خاص شورای امنیت به کارآمدی و مؤثر بودن تحریم‌ها است. در سال‌های اخیر، شورای امنیت با اعمال تحریم‌های هوشمند که مستقیماً علیه افراد متخلف و یا سران دولت‌های خاطی اجرا می‌شود، در راستای مؤثرتر ساختن تحریم‌ها گام برداشته است. همچنین، اصل هماهنگی در اعمال تحریم‌ها به این معناست که برای موفقیت تحریم‌ها، همکاری و هماهنگی کشورها در اجرای برنامه‌های تحریم ضروری است. از این منظر، شورای امنیت باید از اقدامات گزینشی یا خودسرانه اجتناب کند. تحریم‌هایی که در قبال تخلفات یکسان از سوی کشورها علیه یک کشور اعمال می‌شود و علیه کشور دیگری اعمال نمی‌گردد، مغایر با شرط هماهنگی است. همچنین تحریم‌هایی که در قبال تخلفات مشابه به صورت نابرابر علیه دو کشور اعمال می‌شود، اصل هماهنگی را نقض خواهد کرد. بنابراین، در استفاده از تحریم‌های اقتصادی، شورای امنیت باید اصل عدم تبعیض را مراعات نموده و در شرایط مشابه، تحریم‌های اقتصادی مشابه را به کار گیرد [28-29].

نتیجه‌گیری

حلیل تروریسم اقتصادی در پرتو زیست شرافتمندانه بین‌المللی نشان می‌دهد که این پدیده، به عنوان یک ابزار مخرب و غیرقانونی، نه تنها به حقوق بشر بلکه به اصول بنیادی روابط بین‌المللی آسیب می‌زند. تروریسم اقتصادی به‌ویژه در قالب تحریم‌های یکجانبه و اقدامات قهری، می‌تواند به‌طور گسترده‌ای به توسعه اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، ضربه بزند. از آنجا که زیست شرافتمندانه بین‌المللی مستلزم برقراری حقوق و آزادی‌های بنیادی انسان‌ها در چارچوب احترام به کرامت و حقوق دیگران است، تروریسم اقتصادی به‌طور مستقیم با این ارزش‌ها در تضاد است. این مقاله نشان داده که اعمال تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه زمانی که از سوی کشورهای قدرتمند علیه کشورهای ضعیف‌تر به کار می‌رود، تأثیرات منفی گسترده‌ای بر ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها دارد [30]. این تحریم‌ها نه تنها بر رشد

اقتصادی و توسعه پایدار کشورها تأثیر می‌گذارند، بلکه به‌طور مستقیم بر حقوق بشر و شرایط معیشتی افراد آسیب می‌زنند. به‌ویژه در مواردی که تحریم‌ها شامل کالاهای اساسی مانند دارو و مواد غذایی می‌شوند، افراد معمولی و آسیب‌پذیر بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. در چنین شرایطی، اصول حقوقی بین‌المللی همچون اصل انسانیت، اصل ضرورت و اصل تناسب در اعمال تحریم‌ها باید به‌طور کامل رعایت شوند. از این رو، هیچ‌گونه اقدامی که منجر به نقض این اصول و بی‌توجهی به تبعات انسانی تحریم‌ها شود، نمی‌تواند مشروع و قانونی قلمداد گردد. همچنین، هماهنگی و هم‌افزایی در اعمال تحریم‌ها از سوی نهادهای بین‌المللی و کشورهای مختلف یکی از الزامات تحقق یک نظام حقوقی شرافتمندانه و عادلانه است. در راستای تحقق زیست شرافتمندانه بین‌المللی، باید رویکردهای جایگزین برای مدیریت اختلافات و چالش‌های بین‌المللی جستجو شود. به‌ویژه، باید تأکید بیشتری بر دیپلماسی اقتصادی، همکاری‌های چندجانبه و استفاده از ابزارهای غیرمخرب مانند مذاکره و گفتگو گذاشته شود. این رویکردها می‌توانند به جای تروریسم اقتصادی، زمینه‌ساز حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران‌ها و ارتقاء عدالت جهانی شوند. به‌طور کلی، تروریسم اقتصادی نه تنها به‌عنوان یک اقدام غیرقانونی در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود، بلکه به‌طور جدی تهدیدی برای امنیت و رفاه جهانی است. در چنین شرایطی، کشورهای جهان باید به‌جای استفاده از تحریم‌های یکجانبه، به اصول همکاری و همبستگی بین‌المللی متعهد شوند و زمینه‌های اجرای سیاست‌های اقتصادی منصفانه و انسانی را فراهم کنند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که تنها از طریق تقویت سازوکارهای حقوقی و سیاسی بین‌المللی، همکاری‌های مشترک اقتصادی و رعایت اصول اخلاقی در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی، می‌توان به تحقق یک زیست شرافتمندانه جهانی امیدوار بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- جعفرزاده، میر قاسم؛ گلشنی، عصمت و حسینی مدرس، سید مهدی (۱۴۰۰). جایگاه «شرط شایستگی اعمال» در تاثیر تحریم های موضوعه از سوی کشورهای ثالث، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۲۵(۲)، ۷۵-۵۱.
- رحمانی، مریم؛ باقری دولت آبادی، علی و تقوایی نیا، علی (۱۴۰۱). بررسی تاثیر تحریم های آمریکا بر سلامت عمومی شهروندان ایرانی: نمونه موردی شهر یاسوج. راهبرد سیاسی، ۳۶(۳)، ۹۵-۱۲۰.
- رصاف، مرضیه؛ رستم زاده، پرویز؛ اسلاملوئیان، کریم و هادیان، ابراهیم (۱۴۰۰). اثرات جهانی تحریم نفتی ایران: کاربردی از نظریه بازی ها، تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۱۱(۴۳)، ۱۳۳-۱۷۵.
- علوی، سید یحیی (۱۳۹۳). واکاوی ساختار تحریم های بانکی آمریکا و الزامات رفع آن در مذاکرات جامع هسته ای، آفاق امنیت، ۷(۲۵)، ۱۷۷-۲۱۲.
- علیزاده، حمیدرضا (۱۳۹۶). تحریم های اقتصادی از دیدگاه حقوق بین الملل، پژوهش ملل، ۲(۲۶)، ۷۵-۹۷.
- کازرونی، علیرضا، قربانی، عادل و تقفی کلوانق، رضا (۱۳۹۴). بررسی کارایی تحریم های یک جانبه و چندجانبه بر تجارت خارجی محصولات غیرنفتی در ایران، نظریه های کاربردی اقتصاد، ۲(۱)، ۸۳-۹۸.
- گلشنی، عصمت و حسینی مدرس، سید مهدی (۱۴۰۲). اعمال قواعد موجد تحریم وضع شده توسط کشور ثالث: شروط «وجود رابطه نزدیک» و «تفوق آثار اعمال تحریم»، حقوق تطبیقی (نامه مفید)، ۱۰(۲)، ۵۱-۷۶.
- مرادزاده، مهدی؛ کفائی فر، محمدعلی و حکاک زاده، محمدرضا (۱۴۰۲). آسیب شناسی تحریم ها در ایجاد صلح، امنیت بین المللی و حفاظت از حقوق شهروندی (مطالعه موردی ایران و کره شمالی). راهبرد سیاسی، ۷(۱)، ۱۵۱-۱۷۶.
- موغلی، اسماعیل؛ عسگرخانی، ابومحمد و عرفانی، محمود (۱۴۰۰). بررسی ماهیت و آثار تحریم های اعمال شده علیه ایران با نگرشی بر زمینه های توسعه نفوذ لابی در نظام تصمیم سازی آمریکا، پژوهش های سیاسی و بین المللی، ۱۲(۴۸)، ۱-۲۰.
- میرعباسی، سید باقر و نوذری، عبدالستار (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران، قبل و بعد از برجام. راهبرد سیاسی، ۶(۴)، ۱-۳۳.

- نادمی، یونس و حسنوند، داریوش (۱۳۹۸). شدت تحریم ها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریم ها از منظر حقوق بشر، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۹(۳۱)، ۱۵۳-۱۷۱.
- یزدان فام، محمود (۱۴۰۲). سیاست خارجی و حکمرانی امنیت ملی، مطالعات راهبردی، ۲۵(۴)، ۲۱۷-۲۴۷.
- Bailey, S. J. (2012). "Economic Sanctions and Terrorism Financing: A Legal Analysis of Counter-Terrorism Measures." *Journal of International Criminal Justice*, 10(4), 857-876.
- Baldwin, D. A. (1985). *Economic Statecraft*. Princeton University Press.
- Blanchard, J.-M. F. (2012). "Sanctions and Terrorism: A Dual Strategy in the War on Terrorism?" *International Review of Economics*, 59(2), 197-216.
- Chatterjee, P. (2014). "The Impact of Economic Sanctions on Target States: The Case of Iran." *Journal of Political Economy*, 12(2), 213-233.
- Cortright, D., & Lopez, G. A. (2002). *Smart Sanctions: Targeting Economic Statecraft*. Rowman & Littlefield Publishers.
- Drezner, D. W. (2008). *The Sanctions Paradox: Economic Statecraft and International Relations*. Cambridge University Press.
- Giumelli, F. (2013). *Economic Sanctions and Human Rights: A Political Economy Perspective*. Routledge.
- Hufbauer, G. C., Schott, J. J., & Elliot, K. A. (2009). *Economic Sanctions Reconsidered* (3rd ed.). Peterson Institute for International Economics.
- Hufbauer, Gary C., Schott, Jeffrey J., & Elliott, Kimberly A. (2009). *Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy*. 3rd edition. Peterson Institute for International Economics.
- Kaempfer, W. H., & Lowenberg, A. D. (1992). *International Economic Sanctions: A Public Choice Perspective*. Boulder, CO: Westview Press.
- Klein, N. (2007). *The Shock Doctrine: The Rise of Disaster Capitalism*. Metropolitan Books.
- Naylor, R. T. (2004). *Wages of Crime: Black Markets, Illegal Finance, and the Underworld Economy*. Cornell University Press.
- Pape, R. A. (1997). "Why Economic Sanctions Do Not Work." *International Security*, 22(2), 90-136.
- Pape, R. A. (2003). "The Strategic Logic of Suicide Terrorism." *American Political Science Review*, 97(3), 343-361.
- Pape, R. A. (2005). *The Economic Logic of Terrorism*. University of Chicago Press.
- United Nations Security Council. (2011). *Report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team (S/2011/173)*. United Nations.
- Zarate, J. C. (2009). *Treasury's War: The Unleashing of a New Era of Financial Warfare*. PublicAffairs.